

## بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج) - 25 / آذر / 1376

بسم الله الرحمن الرحيم

عید بسیار بزرگ و مسعود میلاد حضرت خاتم الاوصیا، حضرت ولی عصر و صاحب الزمان ارواحنا لله الفدا و عجل الله تعالی له الفرج را به شما برادران و خواهران عزیز که در این جا تشریف دارید، بخصوص برادران و خواهرانی که از راههای دور تشریف آورده اند و بالاخص به خانواده های معظم شهدا و جانبازان و ایثارگران و همچنین به همه ملت ایران و به همه شیعیان عالم و به همه کسانی که در هر نقطه عالم، از ستم و ظلمات حکومت‌های طاغوتی رنج می برند و امیدی می طلبند، تبریک عرض می کنم.

یکی از مهمترین روزهای سال، روز نیمه شعبان است که هم مصادف با ولادت ذی جود و مسعود حضرت بقیة الله ارواحنا فدا شده است و هم شب و روز نیمه شعبان - با قطع نظر از ولادت این بزرگوار در این شب و روز - از لیالی و ایام متبرکند. شب نیمه شعبان، شب بسیار متبرکی است. تالی تلوی لیالی قدر و وقت توجه و تذکر و توسل به ذیل عنایات باری تعالی و طلب و درخواست است. اعمال و ادعیه ای هم دارد که اگر موفق شده اید و آنها را انجام داده اید، ان شاء الله مشمول قبول پروردگار باشد. اگر کسانی هم غفلت کردند و توجه نداشتند، به یاد نگهدارند که همه سال، شب نیمه شعبان را مغتنم بشمارند.

مسأله ولادت حضرت مهدی علیه الصلاة والسلام و عجل الله تعالی فرجه الشریف، از این جهت هم حائز اهمیت است که مسأله انتظار و دوران موعود را که در مذهب ما، بلکه در دین مقدس اسلام ترسیم شده است - دوران موعود آخر الزمان؛ دوران مهدویت - ما به یاد بیاوریم، روی آن تکیه کنیم و بر روی آن مطالعه و دقت و بحث‌های مفیدی انجام گیرد.

همه عقاید سازنده، مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است. برادران و خواهران عزیز! این نکته بسیار مهمی است. توجه بفرمایید که ما امروز چقدر باید هوشیار باشیم! دشمنان سراغ مجموعه احکام و مقررات اسلام رفتند - هر عقیده، هر توصیه ای از شرع مقدس که در زندگی و سرنوشت آینده فرد و جماعت و امت اسلامی تأثیر مثبت بارزی داشته است - و به نحوی با آن کلنجار رفتند، تا اگر بتوانند، آن را از بین ببرند؛ اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند!

خوب، ممکن است شما بگویید که «مگر دشمن چه کاره است؟ چطور دشمن می تواند عقاید اسلامی را کاری کند که از استفاده مردم خارج شود؟» نه؛ این خطاست. دشمن می تواند؛ منتها نه در کوتاه مدت، بلکه در طول سال‌هایتمادی. گاهی دهها سال زحمت می کشند، برای این که بتوانند یک نقطه درخشان را کور، یا کمرنگ کنند، یا نقطه تاریکی را به وجود آورند! سال‌هایتمادی می نشینند و پول خرج می کنند! یکی زحمت می کشد و تلاش می کند، ولی توفیق نمی یابد؛ بعد از او کسان دیگری می آیند. روی عقاید دنیای اسلام، از این گونه کارها خیلی شده است.

روی عقیده توحید، عقیده امامت و اخلاقیات اسلامی - معنای صبر، معنای توکل، معنای قناعت - کار کرده اند! همه اینها نقاط برجسته ای هستند که اگر ما مسلمانان درست به حقیقتشان توجه کنیم، تبدیل به یک موتور حرکت دهنده جامعه اسلامی می شود؛ ولی وقتی روی آن کار کردند و آن را خراب و معنای آن را عوض کردند و در ذهنها به صورت دیگری جا انداختند، همین موتور محرک، به یک داروی مخدر و خواب آور تبدیل می گردد. این گونه است! در مورد ماجرای اعتقاد به مهدی موعود - یعنی این که در آخر الزمان از خاندان پیامبر، شخصی ظهور می کند که دنیا را از عدل، از دادگستری و از نیکی پُر می سازد و تبعیضها، ظلمها، سوءاستفاده ها و فاصله های طبقاتی را از بین می برد - نیز خیلی کار کرده اند.

این عقیده که همه مسلمانان هم به آن معتقدند، مخصوص شیعه نیست. البته در خصوصیات و جزئیاتش، بعضی فرق، حرف‌های دیگری دارند؛ اما اصل این که چنین دورانی پیش خواهد آمد و یک نفر از خاندان پیامبر چنین حرکت عظیم الهی را انجام خواهد داد و «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً»، بین مسلمانان متواتر است. همه، این را قبول دارند. خوب؛ این عقیده از آن عقاید بسیار کارگشاست که من مختصری راجع به آن عرض

خواهم کرد. به دلیل همین که کارگشاست، دشمنان از یک طرف و البته دوستان نادان هم از طرف دیگر بر آن می تازند. گاهی دوستان نادان، از روی نادانی و بر اثر بی توجهی، کاری می کنند که هیچ دشمن دانی به آن خوبی نمی تواند ضربه بزند!

حال بحث ما در مورد دشمنان داناست که سراغ این عقیده آمدند. من سندی را دیدم که مربوط به دهها سال قبل ؛ یعنی اوایل ورود استعمار به شمال آفریقا است. کشورهای شمال آفریقا، گرایش بسیاری به اهل بیت دارند. مذهبشان هر مذهبی از مذاهب اسلامی که هست باشد ؛ اما محبّ اهل بیتند. در کشورهای سودان و مغرب و غیره عقیده به مهدویت خیلی پُررنگ است. آن زمان که استعمار وارد مناطق مذکور شد - که ورود استعمار به آن مناطق در قرن گذشته است - یکی از مسائلی که مزاحم استعمار شد، عقیده به مهدویت بود!

در سندی که من دیدم، بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری توصیه می کنند که ما باید کاری کنیم که عقیده به مهدویت، بتدریج از بین مردم زایل شود! آن روز استعمارگران فرانسوی و انگلیسی در بعضی کشورهای آن مناطق آفریقایی بودند - فرقی نمی کند که استعمار از کجا باشد - استعماران خارجی، قضاوتشان این بود که تا وقتی عقیده به مهدویت در بین این مردم رایج است، ما نمی توانیم کشورهايشان را درست در اختیار بگیریم!

ببینید، عقیده به مهدویت چقدر مهمّ است! چقدر خطا می کنند کسانی که به اسم روشنفکری و به عنوان تجدّدطلبی می آیند و عقاید اسلامی را بدون مطالعه، بدون اطلاع و بدون این که بدانند چه کار می کنند، مورد تردید و تشکیک قرار می دهند! اینها همان کاری را که دشمن می خواهد، راحت انجام می دهند! عقاید اسلامی این گونه است. خوب ؛ حالا چرا این کار را انجام می دهند؟

چند خصوصیت در عقیده مهدویت هست که این خصوصیات برای هر ملتی، به منزله خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. یکی، امید است. گاهی اوقات دستهای قلدر و قدرتمند، ملتهای ضعیف را به جایی می رسانند که امیدشان را از دست می دهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمی کنند ؛ می گویند چه فایده ای دارد؟ ما که دیگر کارمان از کار گذشته است ؛ با چه کسی در بیفتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاش کنیم؟ ما که دیگر نمی توانیم!

این، روح ناامیدی است. استعمار این را می خواهد. امروز استکبار جهانی مایل است که ملتهای مسلمان و از جمله ملت عزیز ایران، دچار روح ناامیدی شوند و بگویند: دیگر نمی شود کاری کرد ؛ دیگر فایده ای ندارد! می خواهند این را به زور در مردم تزریق کنند. ما که در جریان خبرهای تبلیغاتی و زهرآگین دشمنان قرار داریم، به عیان می بینیم که اغلب خبرهایی که تنظیم می کنند، برای مایوس کردن مردم است. مردم را از اقتصاد و از فرهنگ مایوس کنند، متدیّین را از گسترش دین مایوس کنند، آزادی طلبان و علاقه مندان به مسائل فرهنگی و سیاسی را از امکان کار سیاسی، یا کار فرهنگی مایوس کنند و آینده را در نظر افرادی که چشم به آینده دوخته اند، تیره و تار جلوه دهند! برای چه؟ برای این که جوشش و امید را از این مجموعه انسانی که با امید کار می کند، بگیرند و آن را به یک موجود مرده، یا شبیه مرده تبدیل کنند، تا بتوانند هر کاری که مایلند انجام دهند! با یک ملت زنده که نمی توانند هر کاری بخواهند، انجام دهند. به یک جسم بی هوش مدهوش بی حسّی که کنجی افتاده است، هر کس هرچه دلش خواست، می تواند تزریق کند ؛ با آن هر کاری می توانند بکنند ؛ اما با یک موجود سرحال زنده باهوش متحرک فعال که نمی توانند هر کاری را انجام دهند!

یک ملت نیز همین طور است. با ملت مسلمان و انقلابی ایران - این مردمی که در سایه جمهوری اسلامی زندگی می کنند - نمی توانند هر کاری را انجام دهند. ملتی است بیدار، زنده، متوجه که قدر خودش را می داند، قدرت و عزّت خودش را می داند، با دنیا آن طور که شایسته خود اوست، رفتار می کند ؛ نتیجه را هم می بینید.

اگر ملتی برای خودش تحرّکی نداشت و ارزش و آینده ای برای خود قائل نبود، دشمنان می توانند بیایند و برایش نقشه بکشند، به او توصیه کنند، به جای او تصمیم بگیرند و عمل کنند! بدون هیچ مانعی این کارها را می توانند انجام دهند. این ناشی از عدم تحرّک است. عدم تحرّک، ناشی از عدم امید است. لذا سعی می کنند مردم را ناامید کنند! شما بدانید.

امروز هر نفسی و هر حنجره ای که برای ناامید کردن مردم بدمد و به صدا درآید بدانید که در اختیار دشمن است؛ چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر قلمی که کلمه ای را در جهت ناامید و مأیوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، متعلق به دشمن است. چه صاحب این قلم بداند، چه نداند، دشمن از او استفاده می کند.

آن وقت اعتقاد به مهدویت و به وجود مقدس مهدی موعود ارواحنافداه، امید را در دلها زنده می کند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمی شود. چرا؟ چون می داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد؛ برو برگرد ندارد. سعی می کند که خودش را به آن برساند.

پس، عقیده این است. البته وقتی نتوانستند این عقیده را از مردم بگیرند، می کوشند آن را در ذهنهای مردم خراب کنند. خراب کردن این عقیده چگونه است؟ به این صورت است که بگویند امام زمان می آید و همه کارها را درست می کند! این، خراب کردن عقیده است. این، تبدیل کردن موتور محرک به یک چوب لای چرخ است؛ تبدیل کردن یک داروی مقوی، به یک داروی مخدر و خواب آور است.

امام زمان می آید انجام می دهد، یعنی چه؟! امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمی شود شروع کرد! جامعه ای می تواند پذیرای مهدی موعود ارواحنافداه باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، والا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می شود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه ها آماده نبود. چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام در زمان خودش؛ در همان مدت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی، با آن علم متصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیباییها و درخشندگیهایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه های پیامبر اکرم دربار او - نتوانست ریشه بدی را بخشکاند؟

خود آن بزرگوار را از سر راه برداشتند! «قتل فی محراب عبادته لشدة عدله». تاوان عدالت امیرالمؤمنین، جان امیرالمؤمنین بود که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه نامساعد بود. زمینه را نامساعد کرده بودند. زمینه را زمینه دنیاطلبي کرده بودند! آن کسانی که در اواخر یا اواسط حکومت علوی مقابل امیرالمؤمنین صف آریی کردند کسانی بودند که زمینه های دینیشان زمینه های مستحکم و ماده غلیظ متناسب دینی نبود. عدم آمادگی، این طور فاجعه به بار می آورد!

آن وقت اگر امام زمان علیه الصلوة والسلام در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد. این آمادگی چگونه است؟ این، همانی است که شما نمونه هایی از آن را در جامعه خودتان مشاهده می کنید. امروز در ایران اسلامی چیزهایی از درخشندگیهای معنوی وجود دارد که در هیچ جای دنیا نیست. تا آن جایی که ما خبر و گزارش و اطلاع داریم؛ از قضایای دنیا بی خبر هم نیستیم.

امروز در کجای دنیا جوانانی پیدا می شوند که روی شهوات نفس و روی مادیگری پا بگذارند و سراغ معنویات بروند؟ البته گاهی یک جوان، دو جوان، یا یک آدم استثنایی گوشه ای هست - همه جای دنیا پیدا می شود - اما این که عدد عظیمی از یک نسل، این طور باشند، کجای دنیا هست؟ هیچ جا؛ این جا هست! بعضی خیال می کردند که مخصوص دوران جنگ است. البته در دوران جنگ، زمینه های مناسبتری بود، برجستگی آن هم بیشتر بود؛ لیکن این طور نیست که بعضی خیال می کردند. امروز هم هستند. امروز جوانان خوب، جوانان مؤمن، حزب الهی، با گذشت از شهوات نفسانی و انسانی که دارای گذشت از پول و کسب ثروت و درآمد باشند، زیاد هستند؛ در حالی که البته عده ای هم به دنبال این امکانات می دوند و فضا را خراب می کنند! عده ای با بلندنظری، باتقوا و با بی اعتنائی به این زخارف، حرکت می کنند. اینها مخصوص این کشور است. پس می شود قدم به قدم به سمت صلاح پیش رفت.

زنان نیز همین طور. شاید بشود گفت که مجموعه زنان کشور ما از همه جای دنیا بهترند. وقت کار که می رسد - کار سیاسی، کار فرهنگی و کار تشکیلاتی - جلو هستند؛ وقت جهاد که می رسد، فرزندان خودشان را به دست خودشان به جبهه می فرستند و وقت خانه داری و تربیت اولاد که می رسد، کدبانوهای خانه دارند!

همه اینها در دنیا کمیاب است. اینها خیلی ارزش است؛ اینها تربیت اسلام است؛ اینها همه امیدبخش است. همینها موجب شده است که بحمدالله امروز نتایج مثبت را هم می بینید. البته ما همیشه این را گفته ایم، بارها تکرار کرده ایم؛ حال خود ملت ایران، تدریجاً عزت سیاسی شان را در دنیا می بینند. ما همیشه می گفتیم که بحمدالله ملت ایران - و به تبع ملت ایران، دولت ایران و مسؤولین کشور - در سطح دنیا عزیزند. بعضاً در گوشه و کنار، پوزخندی می زدند که «بله؛ مرتب از مردم خودتان، از کشور خودتان و از خودتان تعریف کنید!» بفرمایید؛ امروز همه این را می بینند. این کنفرانس را دیدید! قبل از کنفرانس هم قضایای دیگری بود که ملت ایران آنها را مشاهده کرد. بحمدالله این کشور، کشوری عزیز و مقتدر است؛ کشوری است که دشمنانش هم اعتراف می کنند که برجسته و دارای ملتی بزرگ است و مسؤولینش با اخلاص، مؤمن، علاقه مند و تابع اسلامند. همه اینها از برکات است.

پس می شود زمینه ها را فراهم کرد. وقتی چنین زمینه هایی ان شاءالله گسترش پیدا کند، زمینه ظهور حضرت بقیةالله ارواحنا فداه نیز پدید می آید و مسأله مهدویت - این آرزوی دیرین بشر و مسلمین - تحقق می یابد. امیدواریم که ملت ایران، مشمول توجهات آن بزرگوار باشند. ان شاءالله همه شما و همه ما، هم این توفیق را پیدا کنیم که روزی در رکاب آن بزرگوار باشیم، برای خدا تلاش و مجاهدت کنیم، در مقابل چشم آن بزرگوار، در راه خدا جانمان را از دست بدهیم و به فیض شهادت برسیم - که بزرگترین شرف و افتخار است - و هم تا قبل از ظهورشان، در زمان غیبت، خدای متعال توفیق دهد که ما سربازان آن بزرگوار، متوسل و متذکر آن بزرگوار باشیم و انس و رابطه قلبی و روحی با آن بزرگوار برقرار کنیم. اگر شما از این طرف انس داشتید، از آن طرف هم جلب توجه، جلب تذکر و جلب لطف و محبت خواهد شد. امیدواریم ان شاءالله همه مشکلات، همه موانع و همه سختیها و رنجها، به برکت این ارتباط طرفینی، با فضل الهی و با دست قدرت پروردگار از بین برود.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته